

مؤلفه‌های زیست اجتماعی در خطبه فدکیه با الهام از آیات قرآنی*

- فتحیه فتاحی زاده^۱
- مرضیه محمص^۲
- فرشته معتمد لنگرودی^۳

چکیده

خطبه فدک یکی از مهم‌ترین سخنان حضرت زهرا علیها السلام در هدایت جامعه نوپای اسلامی محسوب می‌شود. حضرت علیها السلام در این خطبه ضمن دادخواهی از حق خویش به قصور اهل سقیفه نسبت به غصب خلافت مسلمانان پرده برمی‌دارد. از آنجا که این خطبه با قرآن تعامل تنگاتنگ دارد و مؤلفه‌های اجتماعی در آن نمود خاصی دارد، این پژوهش به دنبال بررسی قرآنی مؤلفه‌های اجتماعی در خطبه فدک با رویکرد «تحلیل محتوای مضمونی» است. بدین منظور موضوعات این خطبه استخراج شده و سپس با تحلیل این موضوعات مؤلفه‌های قرآنی - اجتماعی آن تبیین شده است. در مرحله بعد بسامد این مؤلفه‌ها و فراوانی هر یک در نمودار درج شده است. در تحلیل محتوای مضمونی خطبه، عناصر ادبی، اسلوب کلام، مخاطبان و فضای صدور

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۱.

f-fattahizade@alzahra.ac.ir

m-mohases@sbu.ac.ir

۱. استاد دانشگاه الزهراء علیها السلام
۲. استادیار دانشگاه شهید بهشتی
۳. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء علیها السلام (نویسنده مسؤول) f-motamad-2011@yahoo.com

کلام حضرت زهرا علیها السلام نیز مورد واکاوی قرار گرفته است. با توجه به این که در میان مؤلفه‌ها، مؤلفه اعتقادی از بسامد بیشتری برخوردار است، به نظر می‌آید اهتمام حضرت زهرا علیها السلام بر اصلاح اعتقادات مخاطبانش بوده و اولویت اساسی جامعه آن روز، مهندسی اعتقادی ایشان بوده است. همچنین با توجه به شرایط ایراد این خطبه، مخاطبان حضرت علیها السلام افرادی آشنا به اسلام بودند؛ لیکن به لحاظ اعتقادی اندیشه درستی نداشتند. به همین دلیل حجم بیشتر خطبه را مؤلفه اعتقادی دربر گرفته است. لذا اولین اصل اساسی که باید در جامعه اسلامی حاکم شود، تبیین درست اعتقادات است. وژگان کلیدی: حضرت زهرا علیها السلام، قرآن، خطبه فدک، مؤلفه‌های اجتماعی، تحلیل محتوای مضمونی.

۱. بیان مسأله

حضرت زهرا علیها السلام به مثابه تداوم بخش حرکت نبوی صلی الله علیه و آله، در دفاع از حقانیت اهل بیت علیهم السلام، با ایراد خطبه‌هایی روشنگرانه و افشاگرانه، نقش آفرینی نموده‌اند. در این راستا خطبه فدک، افقی ملکوتی در میراث حدیث شیعه به شمار می‌رود و همواره «تحلیل محتوا» مورد توجه حدیث پژوهان قرار گرفته است. هر چند تاکنون این گنجینه شیعی با رویکرد Content Analysis بررسی نشده است.

تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و بررسی محتوای کلام است. شالوده این روش عبارت است از قرار دادن اجزاء یک متن (کلمات، عبارات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب در تحلیل محتوا لازم است برای گردآوری می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند (باردن، ۱۳۷۵، ۲۹-۳۴).

در تحلیل محتوا لازم است برای گردآوری اطلاعات ابتدا مقوله‌ها ساخته شوند، سپس واحد محتوا انتخاب شده و در نهایت به شمارش داده پرداخته شود (رسولی و امیرآشانی، ۱۳۹۰، ۲۰۶). روش تحلیل محتوا در مورد متنی اتخاذ می‌شود که آن متن با ماهیتی مشخص برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده باشد (جانی پور و لطفی، ۱۳۹۴، ۳۳). در یک تقسیم‌بندی جزئی تحلیل محتوا به سه

دسته مضمونی، صوری و ساختاری قابل تقسیم است (رسولی و امیرآثانی، ۱۳۹۰، ۱۶۲).

۴۵۹

این مقاله سعی دارد تا با روش «تحلیل محتوای مضمونی» (Tematic Content Analysis) خطبه فدک ضمن بازخوانی دقیق محتوایی، اولویت‌های دینی و اجتماعی آن روز جامعه اسلامی را رصد کند. ضمن آن که بازتاب قرآنی مؤلفه‌های اجتماعی این خطبه موجب شده تا مؤلفه‌های اجتماعی این خطبه بر پایه قرآن بنا شود. روش تحلیل مضمونی، روشی است که پژوهش‌گر به وسیله آن تصورات اجتماعی یا قضاوت‌های متکلم یا نویسنده را بر مبنای تحلیل پاره‌ای از عناصر تشکیل‌دهنده گفتارش آشکار می‌کند (کیوی، ۱۳۸۵، ۲۳۷). به تعبیر دیگر این روش، به مثابه فنی برای بررسی عمیق کلام متکلم یا نویسنده است که در نهایت منجر به نظریه‌پردازی می‌شود. تحلیل محتوای مضمونی، به دو گونه است: تحلیل مقوله‌ای و تحلیل ارزیابی.

تحلیل مقوله‌ای متداول‌ترین روش تحلیل محتواست. این روش عبارت است از محاسبه و مقایسه بسامدهای برخی خصوصیات که از قبل در مقوله‌های معنادار دسته‌بندی شده‌اند. مبنای آن را فرضیه‌ای تشکیل می‌دهد که به موجب یک مضمون هر چه پربسامدتر تکرار شود در نظر گوینده اهمیت بیشتری دارد. بینش اساساً کمی است (کیوی، ۱۳۸۵، ۲۴۰؛ رسولی و امیرآثانی، ۱۳۹۰، ۱۶۳). موضوع تحلیل ارزیابی قضاوت‌هایی است که گوینده در خلال گفتارش ابراز می‌کند. در این روش تحلیل محتوا، محقق بسامد قضاوت‌ها و نیز جهت مثبت و منفی بودن قضاوت و شدت آنها را محاسبه می‌کند (همان).

براساس روش تحلیل محتوای مضمونی در این پژوهش، بر مبنای عبارات خطبه فدک مؤلفه‌ها و گزاره‌های اساسی قرآنی این خطبه به صورت کمی و کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. یعنی از رهگذر استقصای کلام فاطمی در خطبه فدک، و با نگاه تحلیلی به آنها، مؤلفه‌های قرآنی - اجتماعی خطبه مورد

مداقه قرار داده شده است. در مرحله بعد فراوانی هر مؤلفه مشخص شده و براساس آن دغدغه اصلی حضرت زهرا علیها السلام از خطبه کشف گردیده است. پربسامدترین مؤلفه، مؤلفه اعتقادی است. این امر گویای آن است که مسأله اهل سقیفه اعتقاد بوده است، لذا با ارجاع دادنشان به مرجع اعتقادی، یعنی قرآن کریم در صدد تنبه و بیدارسازی آنان است تا با تقویت ایمان و اعتقادشان به فرجام زندگی دنیوی‌شان اندیشه نمایند. و با داشتن باوری درست عالی‌ترین شخص را به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله انتخاب کنند. همچنین حضرت علیها السلام با پرداختن به مهندسی اعتقادی، قاعده‌ای ثابت و معیاری روشن برای تمامی زمان‌ها ارائه داده تا پیش روی تمامی پیروان باشد و آن را ملاک اصلی خود قرار دهند.

افزون بر این حضرت زهرا علیها السلام با پیوند کلامش به صنایع ادبی و نیز رعایت توازن در کلام، ارزش و اثرگذاری سخن خود را دو چندان می‌سازد.

۲. منابع خطبه فدک

کهن‌ترین منابع خطبه «فدک» یا «اللمة»^۱ عبارت است از: *بلاغات النساء*: ابن طیفور (۲۸۰ق)، *السقیفه و فدک*، احمد بن عبدالعزیز جوهری (۳۲۳ق)، *دلائل الإمامه*، محمد بن جریر بن رستم طبری آملی صغیر (۴۶۰ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، احمد بن علی طبرسی (۵۸۸ق)، *شرح نهج البلاغه*، ابن ابی الحدید (۶۵۶ق)، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، علی بن موسی بن طاووس (۶۶۴ق)، *الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم*، یوسف بن حاتم شامی (۶۶۴ق)، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*، علی بن عیسی اربلی (۶۹۲ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱ق).

در مصادر دیگری نیز بخشی از این خطبه آمده است، از جمله *العین*، فراهیدی که کهن‌ترین منبعی است که به ایراد این خطبه اشاره نموده است. وی ضمن بیان واژه «فدک»، بخشی از خطبه فدک را به عنوان نمونه ذکر کرده است

(ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ۳۲۳). ابن قتیبه نیز در *غریب الحدیث*، در ذیل واژه *لمّه*، به خطبه حضرت فاطمه علیها السلام و ماجرای غضب فدک اشاره و آغاز خطبه را بیان کرده است (ابن قتیبه، بی تا، ج ۱، ۲۶۶). ابن اثیر و ابن منظور نیز در ذیل واژه *لمّه*، از کاربرد این واژه در خبر مربوط به خطبه حضرت زهرا علیها السلام سخن گفته‌اند (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ۲۷۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ۵۴۸). همچنین اندیشمندانی چون *صدوق* در *علل الشرایع* به کلماتی از خطبه فدک اشاره و بخشی از آن را نقل کرده و نیز در *من لایحضره الفقیه* آورده است. ابن شهر آشوب در *مناقب آل ابی طالب* علیهم السلام نیز در ضمن بیان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام قسمتی از این خطبه را ذکر کرده است. بدین سان علما و صاحب نظران با نقل و شرح خطبه فدک به حفظ این تراث شیعی و تبیین پیام جان بخش آن مبادرت ورزیده‌اند.

در این پژوهش متن سخنرانی حضرت زهرا علیها السلام از کتاب *الإحتجاج* طبرسی گرفته شده است؛ زیرا در میان منابع فوق کامل ترین متن را داراست.

۳. تحلیل مؤلفه‌های قرآنی - اجتماعی خطبه فدکیه

بررسی موضوعات خطبه فدک نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اعتقادی، سیاسی، اخلاقی، فقهی، سبب شناسی انحراف اهل سقیفه و روشنگری برای حضرت زهرا علیها السلام مهم بوده است. در این بخش به بررسی و تحلیل آنها می‌پردازیم.

۱-۳. مؤلفه اعتقادی

بارزترین مسأله که در میان مؤلفه‌های اعتقادی به چشم می‌خورد، موضوع قرآن و اوصاف آن است که درخشندگی خاصی در خطبه فدک دارد، به گونه‌ای که بیشترین حجم این مؤلفه را شامل می‌شود. حضرت زهرا علیها السلام به دلیل جایگاه ممتاز قرآن، آن را به عنوان مهم‌ترین مأخذ و مرجع نیاز مردم در مسائل اعتقادی

می‌داند که می‌تواند تمامی مسائل دینی و اعتقادی را از آن استخراج کند.

مسئله توحید و نبوت نیز از مؤلفه‌های مهم اعتقادی است. آن هم برای مخاطبینی که کاملاً به این دو مسئله اشراف داشتند. تأکید حضرت عَلَيْهِ السَّلَام بر مسئله توحید، گواه آن است که توحید زیربنا و شالوده‌ی اساسی اسلام است. هر چند مخاطبان حضرت عَلَيْهِ السَّلَام اذعان‌کننده به توحید و تسلیم‌شوندگان در برابر حق بودند و در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای اهتزاز پرچم اسلام تلاش کردند؛ چنان که خود حضرت به این مطلب اشاره دارد: «أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَّاحِ مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ»؛ شما به شجاعت و جنگ‌آوری مشهورید و به خیر و صلاح معروف هستید، لیکن چون اخلاص در توحید، در قلب‌هایشان نفوذ نکرده بود، با بروز گفتمان‌های نوظهور در جامعه بعد از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دستاوردهای ایمانی خود را از دست دادند. حضرت عَلَيْهِ السَّلَام به صراحت این مطلب را به مخاطبانش گوشزد می‌کند: «فَهُنَّ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ»؛ دهان‌های شما به توحید باز شد. مقصود از کلمه اخلاص، کلمه توحید است (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ۱۰۰). واژه «فهمت» از ریشه لغوی (فاه) به معنای سخنی را از دهان به صورت شفاهی خارج کردن و یا کلامی را به زبان آوردن است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ۲۲۴۴؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ۲۳۷). این کلام حضرت عَلَيْهِ السَّلَام حکایت از عدم ثبوت و استقرار ایمان در قلوب مخاطبان دارد. لذا مخاطبان حضرت به مسئله توحید اعتقاد لفظی داشتند، نه اعتقاد قلبی که حضرت آن را در خطبه یادآور شده است. بعد از این بیان حضرت عَلَيْهِ السَّلَام به گونه آشکار به شرک افراد تصریح می‌نماید: «پس چگونه بعد از اقرارتان به ایمان، حیران شدید؟ و پس از آن مرحله آشکار، همکاری خود را پنهان داشتید؟ و بعد از آن پیش قدمی، عقب نشستید؟ و بعد از ایمان شرک آوردید؟» (قزوینی، ۱۳۷۱، ۵۲۸-۵۲۷). این بیان حضرت عَلَيْهِ السَّلَام نشان‌گر آن است که جایی که ایمان با اخلاص توأم نباشد، شرک جایگزین ایمان می‌شود. این هشداری به جامعه اسلامی آن روز است تا آنان را نسبت به عملکردی که از

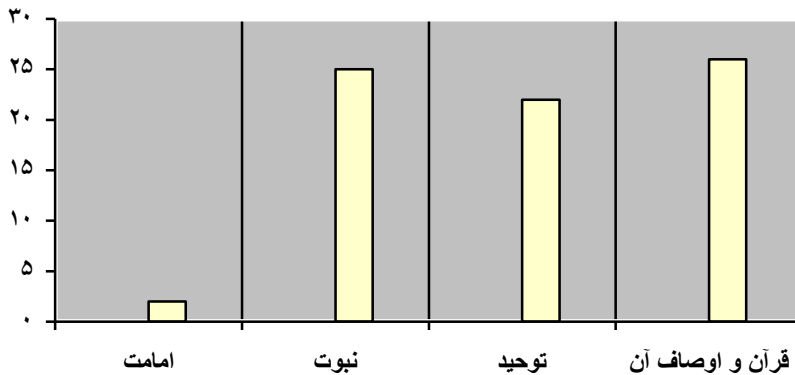
دایره ایمانی خارج ساخته بود و به شرک کشانیده بود توجه دهد تا از آن دوری نمایند.

﴿۶۳﴾

حضرت علیه السلام در معرفی رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به آیه ۱۲۸ توبه استشهد می نماید حضرت علیه السلام در این استشهد با سازواره های ذهنی مخاطبان، می کوشد مخاطبان را میان فرایندهای کنونی، و رخدادها و واقعیت های زمان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نگه دارد، تا در میان آنچه رخ داده و آنچه شایسته بوده است رخ دهد، به تحلیل درست نائل گرداند؛ زیرا با آوردن این آیه خصایص نبی اکرم صلی الله علیه و آله و خصایصی که شایسته رهبری جامعه اسلامی است، مطرح می کند، تا الگویی تکوین یافته در دوران حیات نبی صلی الله علیه و آله دوباره احیا شود و در خصوص رهبر شایسته جامعه اسلامی سره از ناسره تفکیک گردد (ر.ک: روشنفکر و اکبری زاده، ۱۳۹۱، ۱۳۷). همچنین به روش پیامبر صلی الله علیه و آله در ابلاغ رسالت نیز اشاره شده است که ایشان به لحاظ گوناگونی استعدادهای انسانی راه های دعوت متفاوتی را برمی گردیدند. از این رو، ایشان به اتکای حکمت و به روش موعظه نیکو، مردم را به راه خدا فراخواند.

پس از ذکر مسأله توحید و نبوت، موضوع امامت از دیگر مسائل اعتقادی است که بخش کوچکی از خطبه را به خود اختصاص داده است. در نگره حضرت علیه السلام امامت، همان ادامه نبوت است. ایشان می فرماید: «وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ». حضرت علیه السلام در این کلام اطاعت از امامت را موجب وحدت جامعه می داند. توضیح آن که هر جامعه ای باید قطب فکری داشته باشد تا افکار را به خود جذب و خلأ موجود از جامعه را برطرف کند. در این صورت زمینه ای برای اختلاف فکر باقی نمی ماند. هر چند با پیروی از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله، نظام اسلامی از پراکندگی و تفرقه در امان خواهد ماند. لیکن در اثر نبودن قیم قرآن در متن جامعه، در هر یک از ادوار اسلامی قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و آله تحت تأثیر افکار عقیدتی رایج آن عصر تفسیر می شود. از این رو،

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عدیل قرآن پس از خود را معرفی می‌کند: «کتاب الله و عترتی»، تا جامعه اسلامی دچار خلأ فکری و پراکندگی نشود (ر.ک: حسینی زنجانی، ۱۳۸۸، ۱۷۵-۱۷۸). بنابراین طبق کلام فاطمی، امامت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام محوری برای جلوگیری از تفرقه است، تا هر کسی مدعی رهبری نشود (ر.ک: تهرانی، ۱۳۹۰، ۶۹).



نمودار شماره (۱): سنجش فراوانی مؤلفه اعتقادی در خطبه فدک

فراوانی موضوع قرآن در خطبه فدک بیان‌گر این مطلب است که این موضوع در سطوح عالی ذهن حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام جای داشته و از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار بوده و دغدغه اصلی ایشان در ایراد خطبه بوده است. به نظر می‌رسد اهل سقیفه در جریان تعیین جانشین برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در مسائل اعتقادی مشکل داشتند که نتوانستند سره را از ناسره (حق را از باطل) تشخیص دهند. لذا حضرت عَلَيْهَا السَّلَام به جای پر رنگ نمودن مسأله امامت در طول خطبه مخاطبان را به منبع اصلی، یعنی قرآن ارجاع داده است که با رجوع به قرآن می‌توانند حق را تشخیص دهند. به تعبیر دیگر، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به مخاطبان هشدار می‌دهد که قرآن را در میان داشتید و با مراجعه به قرآن می‌توانید مسأله امامت و مصداق آن

را به روشنی دریابید (ر.ک: بهبهانی، ۱۳۸۵، ۵)، و با طرح مباحث انگیزشی سعی در تغییر نگرش و اقتناع آنان در مسأله امامت دارد.

﴿۶۵﴾

۲-۳. مؤلفه اخلاقی

سفارش به خویشتن‌داری در زمره موضوعات اخلاق فردی خطبه فدک به شمار می‌آید. حضرت زهرا علیها السلام پس از آن که فلسفه تشریح احکام الهی را بیان می‌کند، مردم را به تقوا و خداترسی فرامی‌خواند و این که آنچه را که خداوند امر کرده یا نهی نموده فرمان ببرند؛ زیرا تقوا جز با فرمانبرداری از همه احکام الهی محقق نمی‌شود (زنجان، ۱۳۸۸، ۲۰۷).

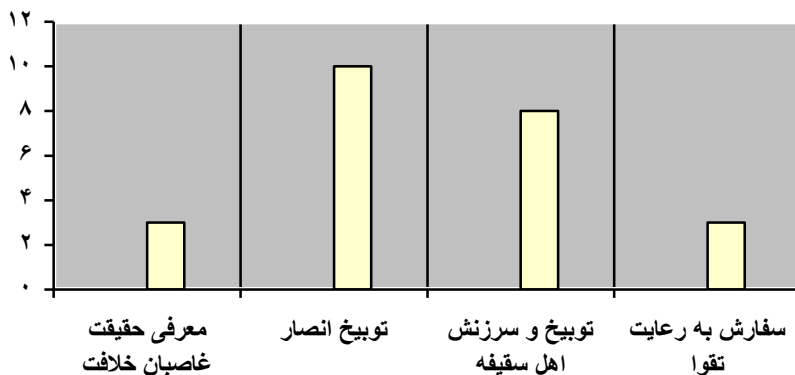
مهم‌ترین مؤلفه اخلاقی در خطبه فدک، تویخ و سرزنش اهل سقیفه است. یکی از کوبنده‌ترین این تویخ‌ها استشهاد حضرت علیها السلام به آیه ۵۰ سوره مائده، در دادخواهی از فدک خطاب به خلیفه اول است: «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ». این آیه بیان می‌کند که اگر کسی در فضای جامعه اسلامی زندگی کند و داعیه حکومت اسلامی نیز داشته باشد؛ ولی حکمش مطابق قرآن نباشد، داوری او، حکم جاهلی محسوب می‌شود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ۶۱۹). با توجه به فضای صدور خطبه فدک، حضرت علیها السلام به یکی از مخالفت‌های علنی اهل سقیفه با حکم خداوند در قرآن و احیای رسوم جاهلیت؛ یعنی محرومیت دختران از میراث پدران اشاره فرموده است. در حقیقت ایشان عمل خلیفه را عمل جاهلی می‌دانند؛ چرا که در زمان جاهلیت، زنان و دختران ارث نمی‌بردند و ارث تنها به مردان و پسران اختصاص داشت (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۱۳۶ و نیز ر.ک: رفیعی، ۱۳۸۵، ۱۸۳). از این رو، زمان جاهلیت، مخصوص یک دوران نیست، هرگاه مردم از خدا جدا شوند، دوران جاهلیت است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۱۰۳). برگزیدن نام «جاهلیت» برای روزگار پیش از بعثت است و حضرت علیها السلام با آوردن این واژه، نکوهش اهل

سقیفه و پرهیز دادنشان از جهالت را محور سخنش قرار داده است (ر.ک: یزدی، ۱۳۹۲، ۱۷۵).

حضرت زهرا علیها السلام به اخلاق اجتماعی نیز توجه داشته‌اند؛ زیرا حضرت علیها السلام با توبیخ و سرزنش انصار عملکرد آنان را در جریان سقیفه مورد تخطئه قرار می‌دهد. حضرت علیها السلام مسأله خیانت مشرکان (ر.ک: توبه/۱۳) را بر جریان سقیفه تطبیق می‌دهد و این خیانت سردمداران سقیفه را نظیر همان خیانت مشرکان می‌داند. زیرا مشرکان به نقض عهد با پیامبر صلی الله علیه و آله مبادرت ورزیدند و می‌خواستند ایشان را از صحنه خارج کنند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳۳، ۳۳۶ با تصرف؛ و نیز: ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۵، ۱۸۴). با توجه به فضای صدور خطبه مقصود حضرت علیها السلام از استناد به آیه ۱۳ سوره توبه خارج کردن امام علی علیه السلام از صحنه امامت است. پس علی علیه السلام را از خلافت دور کردن در حقیقت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را از صحنه خارج کردن است (تهرانی، ۱۳۹۱، ۱۳۶). در ادامه حضرت زهرا علیها السلام با استناد به آیه ۸ سوره ابراهیم، انتخاب عجلولانه و شتاب مردم در انتخاب ولی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را ظلم به خودشان دانسته است و آن را مصداق «کفر» معرفی می‌نماید، زیرا اصل «کفر» به معنای رد و عدم اعتنا است که از آثار آن تبرّی، محو و پوشاندن است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰، ۸۷). در جریان سقیفه نیز اهل سقیفه به نعمت امامت اعتنا نورزیدند و از آن محروم شدند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۱۷۴).

معرفی حقیقت غاصبان خلافت از دیگر مؤلفه‌های اخلاقی در خطبه فدک است. حضرت علیها السلام در جمله پر مفهومی می‌فرماید: «آن‌گاه شیطان از شما خواست که برخیزید، پس دریافت که شما آدم‌های سبکی هستید». حضرت علیها السلام در این عبارت چگونگی گمراهی اهل سقیفه به وسیله شیطان را بیان داشته است؛ یعنی چون شما انسان‌های تو خالی و سفیه بودید، شیطان شما را فراخواند (ر.ک: طاهایی، ۱۳۸۹، ۱۷۴-۱۷۵)، و ظرف وجودی‌تان را از وزانت حق و فطرت تهی

کرد، و شما او را اطاعت کردید (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۷۱).



نمودار شماره (۲): سنجش فراوانی مؤلفه اخلاقی در خطبه فدک

۳-۳. مؤلفه فقهی

از جمله مهم ترین مؤلفه های فقهی در خطبه فدک بیان فلسفه احکام الهی است. حضرت علیها السلام این گونه می فرماید: ایمان وسیله ای برای زدودن شرک، نماز وسیله پاکیزگی از کبر، روزه باعث تثبیت اخلاص، حج برای استواری دین، عدالت موجب برابری قلبها، اطاعت از امامت انگیزه وحدت جامعه، جهاد مایه عزت اسلام، صبر موجب اجر و پاداش، امر به معروف برای مصلحت عمومی، احسان به والدین سپر خشم خدا، صلّه رحم باعث تکثیر نسل، قصاص برای جلوگیری از خونریزی، وفای به نذر زمینه مغفرت الهی، تمام دادن پیمانانه برای جلوگیری از کم فروشی، حرمت خمر برای جلوگیری از پلیدی، اجتناب از قذف مانع لعن الهی، ترک دزدی موجب عزت نفس، اجتناب از خوردن مال یتیم برای پرهیز از ظلم به آنان، عدالت حاکمان موجب اصلاح دولت و محبت رعیت، اخلاص برای خدا علت حرمت شرک (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ۹۹).

در این بخش به منظور جلوگیری از تطویل کلام، برخی از شاخص ترین این

احکام تبیین می‌گردد. فلسفه زکات در نگره حضرت علیه السلام، فزونی روزی است. در حقیقت «تا زمانی که زکات اداء نشود، شخص مسؤول به پرداخت آن، آلوده است و ایستای زکات همانند غسل، بلکه بالاتر از آن مایه طهارت مؤدی آن خواهد بود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳۲، ۴۸۶). حضرت علیه السلام بر آن است که خداوند صبر را جهت ایصال ثواب و پاداش الهی قرار داده است. صبر یعنی نگه داشتن نفس بر آنچه که عقل و شرع حکم می‌کند، و از آنچه عقل و شرع اقتضا می‌کنند که نفس از آن بازداشته شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۴۷۴). حضرت علیه السلام تمام دادن پیمان‌ها را جلوگیری از کم‌فروشی دانسته و آن را به صورت مطلق بیان می‌کند؛ یعنی کم نگذاشتن در کیل و ترازو اختصاصی به داد و ستد ندارد، بلکه مطلق تصرفات و تعهدات مقصود بوده است.

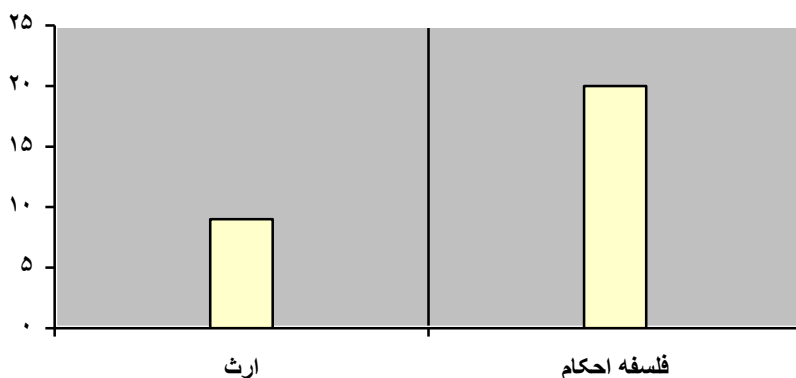
حضرت زهرا علیه السلام فلسفه حرمت خمر را جلوگیری از شوائب نجاست و قدارت در افراد، بیان فرموده است؛ زیرا شراب عقل را زایل می‌کند و زمانی عقل، که مهم‌ترین ابزار انسان در تشخیص امور است از بین رود، فرد دچار هر پلیدی و گناهی می‌شود.

تبیین موضوع ارث در خطبه برجستگی ویژه‌ای دارد. حضرت علیه السلام در دفاع از فدک به دو دسته از آیات قرآن تصریح می‌کند:

الف - ارث بردن فرزندان انبیا علیهم السلام از پدرانشان، مانند ارث بردن سلیمان علیه السلام از پدرش داوود علیه السلام و ارث بردن یحیی از زکریا علیه السلام (ر.ک: نمل/۱۶ و مریم/۵-۶).

ب - استدلال به عمومات قرآن در ارث و وصیت که مسلماً شامل پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شود (ر.ک: انفال/۷۵ و نساء/۱۱ و بقره/۱۸۰). هدف حضرت علیه السلام از استناد مستقیم به آیات فوق این بوده که با استدلال‌های محکم قرآنی جریان ارث بردن بین پیامبران را ترسیم کند. همچنین به دغدغه حضرت علیه السلام بر مسأله ارث و غضب حقوق حقه اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد. خطبه فدک در مقابله با

گفتمان‌های رقیب (غاصبان خلافت) می‌کوشد تا با ایجاد ارتباط قرآنی در کلامش با سازواره‌های ذهنی مخاطبانش ارتباط برقرار کند، تا بتواند اندیشه مورد نظر خویش را در اذهان جای دهد؛ زیرا گفتمان‌های رقیب در پوسته‌ای به ظاهر اسلامی، با تفسیر آیات قرآن به نفع خود و جعل حدیث از پیامبر ﷺ، غصب ارث فدک و تصاحب خلافت را مشروع جلوه دادند (روشنفکر و اکبری‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۳۷).



نمودار شماره (۳): سنجش فراوانی مؤلفه فقهی در خطبه فدک

۳-۴. مؤلفه سیاسی

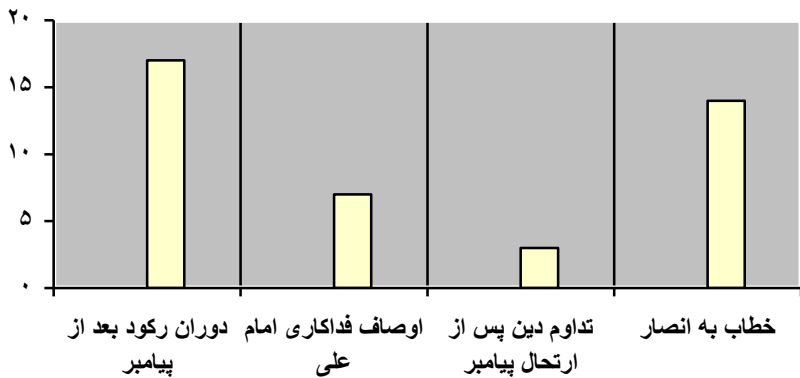
بخشی از خطبه فدک مشتمل بر مباحث سیاسی است. حضرت زهرا علیها السلام خطاب به انصار آنان را بازوان ملت و نگهبانان اسلام می‌خواند که چرا ظلم را به او روا داشتند. زیرا آنان به هنگام مهاجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه به یاری و حمایت از آن حضرت صلی الله علیه و آله قیام نمودند. همچنین حضرت علیها السلام با استناد مستقیم به آیه ۱۴۴ سوره آل عمران به تداوم دین پس از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله تصریح می‌نماید و با این استناد به کلامش برجستگی خاصی می‌بخشد. حضرت علیها السلام با تصریح این آیه فردپرستی را ممنوع دانسته است، یعنی با مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله راه ایشان ادامه دارد و

نباید مسأله تداوم دین را قائم به شخص خاصی ولو این که پیامبر ﷺ باشد، ساخت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۱۷). لذا رحلت پیامبر ﷺ هرگز نباید دستاویزی برای کفران موهبت وجودی ایشان و بازگشت به دوران ظلمانی بی‌ایمانی باشد. با توجه به سیاق خطبه، مقصود از ارتداد در آیه ۱۴۴ آل عمران، ارتداد از «ولایت» است که در سقیفه بنی ساعده اتفاق افتاد.

وصف فداکاری‌ها و پایمردی امام علی علیه السلام در جنگ‌ها، یکی دیگر از مؤلفه‌های سیاسی در خطبه فدک است. حضرت علیه السلام در بخشی از خطبه می‌فرماید: «وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ وَادْعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ»؛ یعنی زمانی که حضرت علی علیه السلام در کوران حوادث و خطرات بود شما در امنیت و رفاه و خوش‌گذرانی مشغول بودید (ر.ک: تهرانی، ۱۳۹۱، ۸۶)، و در بخشی دیگر از خطبه می‌فرماید: «لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ»؛ یعنی امام علی علیه السلام در راه حق به خاطر سرزنش تحت تأثیر دیگران قرار نمی‌گرفت و تنها رضای حق برای او منظور نظر بود نه رضای مخلوق (همان، ۸۵). این قسمت بخشی از آیه ۵۴ سوره مائده است که با کمی تغییر توسط حضرت علیه السلام بیان شده است. این آیه به اتفاق بسیاری از مفسران درباره امام علی علیه السلام و اصحاب ایشان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ۳۲۱ و نیز: ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ۴۳). حضرت زهرا علیه السلام آیه قرآن را که در زمان پیامبر ﷺ درباره امام علی علیه السلام نازل شده بود، یادآوری کرده تا با ساختار این آیه، که در ذهن مخاطبان انباشته شده است، آنان را به انطباق آیه سوق دهد تا با تجربه قلبی خودشان آیه را در تفسیر متن جدید (کلام حضرت علیه السلام) به کار گیرند.

از دیگر موضوعات سیاسی در خطبه فدک، تشریح دوران رکود پس از رحلت پیامبر ﷺ است. یکی از مباحثی که حضرت علیه السلام در این بخش به آن اشاره می‌نماید، سقوط اهل سقیفه در فتنه است و به بخشی از آیه ۴۹ سوره توبه استناد می‌نماید. در حقیقت، حضرت علیه السلام عمل اهل سقیفه را مصداق عذر

اجتناب از فتنه دانسته؛ اما در عین حال در فتنه عظیم افتادند و بیان می‌دارد که «سردمداران سقیفه مصداق کفر بوده‌اند و هنگامی که مرتکب این اعمال شدند مؤمن نبودند (تهرانی، ۱۳۹۱، ۹۶). در جریان سقیفه، کسانی حضور داشتند که از امر پیامبر ﷺ در مورد جانشینی ایشان تخلف ورزیدند و با این امر در گناه افتادند و جهنم بر آنان احاطه دارد. در ادامه با استناد به بخشی از آیه ۵۰ سوره کهف انسان‌های مدعی اسلام و خالی از روح تسلیم را فاقد ارزش الهی می‌داند که آیا شما انسان‌های به ظاهر مسلمان را به جای حق نشانده‌اید و آنها را ولی و مطاع خویش اتخاذ کرده‌اید؟ سپس، حضرت ﷺ برای اثبات رویکرد اعراض مخاطبان از حذف خلیفه رسول خدا ﷺ و غصب فدک به آیه ۸۵ آل عمران استشهاد می‌کند و عمل آنان را اعراض از اسلام حقیقی و گردن نهادن به حکم غیر از اسلام دانسته است و بدین سان سخنش را استحکام می‌بخشد.



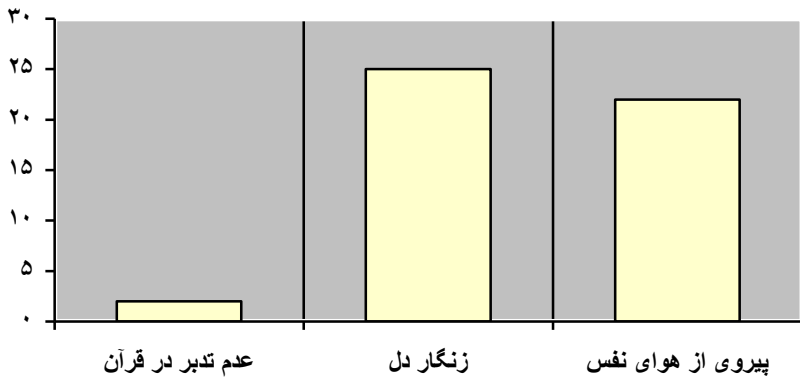
نمودار شماره (۴): سنجش فراوانی مؤلفه سیاسی در خطبه فدک

۵-۳. مؤلفه سبب‌شناسی انحرافات

یکی دیگر از مسائلی که در خطبه فدک آمده است، سبب‌شناسی انحراف اهل سقیفه است. حضرت زهرا ﷺ با قرائت آیه «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرُوا»

جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» (یوسف/۱۸)؛ علت روی گردانی و عدم پذیرش حق از سوی مردم را تبعیت از هواهای نفسانی (ریاست و حکومت و منصب قدرت) ذکر می‌کند (ر.ک: قزوینی، ۱۳۸۶، ۵۵۹). حضرت علیه السلام با تصریح این آیه، اعمال سقیفه را با اعمال برادران یوسف تطبیق داده است تا اعمال فریب کارانه آنان آشکار گردد. همچنین با استناد به بخشی از آیه ۲۴ سوره محمد، علت اصلی انحراف سقیفه را دو چیز می‌داند یا در قرآن، این برنامه هدایت الهی و این نسخه کامل شفابخش، تدبر نمی‌کنند، یا اگر تدبر می‌کنند بر اثر هواپرستی و اعمالی که از قبل انجام داده‌اند، قفل بر دل‌های آنان نهاده شده است، به گونه‌ای که هیچ حقیقتی در آن نفوذ نمی‌کند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ۴۶۷). در حقیقت مقصود حضرت علیه السلام این است که امامت، در دل بسته نفوذ نمی‌کند که سران سقیفه دچار این حالت شده بودند. همان گونه که معارف قرآن در دل بسته مؤثر واقع نمی‌شود.

در اندیشه فاطمی سبب کج‌روی‌های سقیفه، زنگار قلب و گناه دانسته شده است، زیرا اعمال زشت به نفس آدمی نقش و صورتی می‌دهد که میان شخص و درک حق حائل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ۲۳۴). مقصود حضرت علیه السلام این است که اسلام دین مصطفی است و همان گونه که لازمه پیروی از اسلام برخوردار از صفوه و صفاست، انحراف از چنین دینی نیز تیرگی و رجس را در پی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ۱۱۰). بنابراین لازمه پذیرش مسأله امامت پاکی و طهارت قلب است. با استناد به بخشی از آیه ۷۸ سوره غافر، اهل سقیفه را که از امامت امام علی علیه السلام دوری کردند، زیان کار و پیروان باطل دانسته است.



نمودار شماره (۵): سنجش فراوانی مؤلفه سبب‌شناسی انحرافات

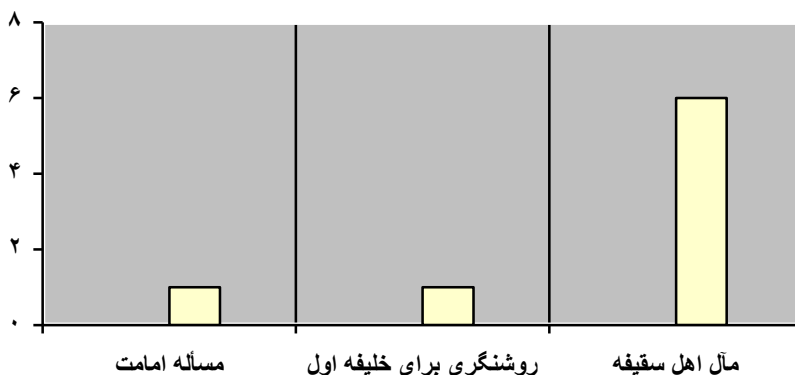
۳-۶. مؤلفه روشن‌گری نسبت به فرجام امور

یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌ها در خطبه فدک، مؤلفه روشن‌گری است. حضرت علیها السلام این مؤلفه را با استناد به آیات کوبنده قرآن به منظور اتمام حجت و تهدید به اهل سقیفه بیان داشته است. حضرت زهرا علیها السلام با استناد به آیه ۶۷ سوره انعام می‌فرماید: «بالاخره این ظلم‌ها و ریاست‌ها و حکومت‌ها روزی پایان یافته و هر خبری محقق می‌شود و هر عملی در پیش خداوند ثابت می‌ماند و در روز قیامت پاداش و عقاب آن آشکار می‌گردد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ۴۸۸). به عبارتی ایشان بیان می‌کند: گر چه مجبور به ایمان آوردن (امامت) نیستید، ولی فکر عاقبت کار خودتان باشید و این تهدیدی صریح از وقوع عذاب حتمی اهل سقیفه است (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۴، ۱۶۴؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۵، ۱۵۰).

حضرت علیها السلام در عبارت «مَوْصُولَةٌ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَيِ الْأَقْبِدَةِ» (همزه/۶-۷)، اثر اخروی غضب فدک را آتش خداوند می‌داند؛ آتشی که باطن آدمی را می‌سوزاند، همان طور که ظاهر اهل سقیفه را می‌سوزاند، به خلاف آتش دنیا که تنها ظاهر را می‌سوزاند (شبر، ۱۴۲۸ق، ۱۳۸). همچنین حضرت

زهرا علیها السلام با استناد به آیه ۲۲۷ سوره شعراء، خطاب به اهل سقیفه می فرماید: «به زودی خواهید فهمید که به چه بازگشت گاهی برمی گردید و آن بازگشت گاه همان آتش است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ۳۳۲) یا ضعف و ذلتی که سرانجام در این دنیا نصیب تان خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ۳۸۰) و آنان را تهدید می کند، بر این اساس، مقصود آن است که این ظالمان در قیامتی که دور می انگارند، به زودی نتیجه اعمال خود را خواهند دید. و با تکیه بر آیه ۴۶ سوره سبأ می فرماید: «من همان کاری را که پدرم در انذار شما کرد با شما می کنم یعنی شما را از عذاب شدید انذار می دهم» (تهرانی، ۱۳۹۱، ۱۴۳).

حضرت علیها السلام در محاکمه خلیفه اول این گونه به انذار و روشن گری وی می پردازد: «آیا از روی عمد، کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر انداخته اید؟» و با این سخن انقلاب ایدئولوژیک^۳ غاصبان خلافت را مورد انتقاد قرار می دهد. حضرت علیها السلام در بخشی دیگر از خطبه، با آیه ۴۷ سوره زمر تعامل برقرار کرده و منکران مسأله امامت و جانشینی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را همچون منکران معاد می داند، که در عرصه قیامت مسائلی برایشان هویدا می شود که تصورش را هم نمی کردند. و این انذار آشکار و بلیغ به اهل سقیفه بوده است.

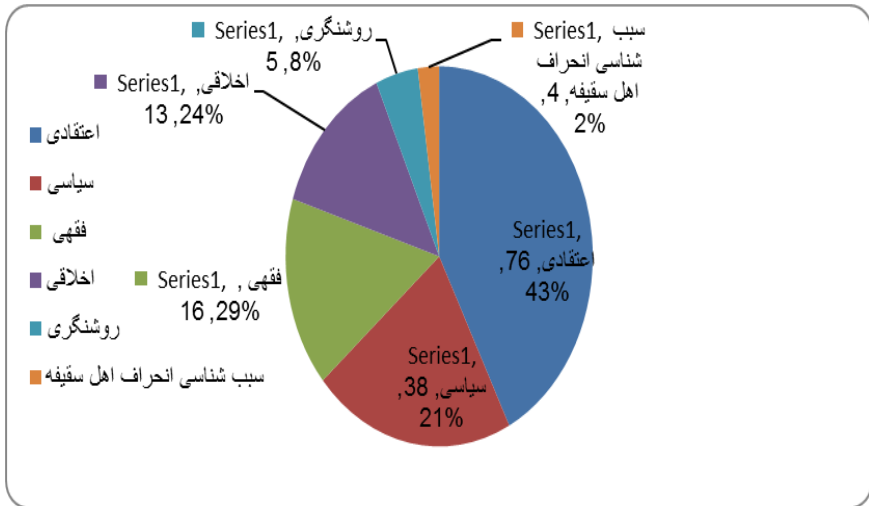


نمودار شماره (۶): سنجش فراوانی مؤلفه روشن گری نسبت به فرجام امور

۴. فراوانی مؤلفه‌ها

با توجه به بررسی موضوعات و تحلیل مؤلفه‌های قرآنی خطبه فدکیه و طبقه‌بندی آنها در مؤلفه‌های متعدد، می‌توان آن را در نمودار ذیل نشان داد:

﴿۷۵﴾



نمودار شماره (۷): سنجش فراوانی مؤلفه‌ها در خطبه فدک

روشن است که مؤلفه اعتقادی پربسامدترین حجم خطبه را به خود اختصاص داده است و پس از آن مؤلفه سیاسی، فقهی و اخلاقی بیشترین حجم را دارند. کم‌ترین حجم خطبه را نیز سبب‌شناسی انحراف اهل سقیفه دارد. نمودار دایره‌ای فوق، هر چند به سنجش فراوانی‌های کمی انواع مؤلفه‌های خطبه فدک می‌پردازد؛ لیکن بیان‌گر میزان و گستره دغدغه‌های حضرت زهرا علیها السلام در طول خطبه است که این خود پرسش‌هایی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و مقدمه‌ای برای تحلیل محتوای کیفی می‌شود. همان‌گونه که در بررسی مؤلفه‌ها گذشت، درخشندگی کلام و حیانی به

عنوان خصوصیت برجسته خطبه فدک است. حضرت زهرا علیها السلام با مستند کردن کلامش به آیات قرآن کریم در صدد آفرینش معنایی جدید و انطباق خاصی از آیات بوده و در عین حال قدرت کلامش را در پیوند با قرآن به حداکثر رسانده است.

توصیف قرآن کریم در بخش مؤلفه اعتقادی، به صورت عبارات «صرفه جویانه» صورت گرفته است (ر.ک: قائمی‌نیا، ۱۳۹۳، ۱۷۶). به عبارت دیگر، حجم زیادی از مفاهیم با عبارت‌های کم انتقال یافته است و این مشارکت دانسته‌های مخاطبان را در به فعلیت رسیدن کلام حضرت علیها السلام نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، کلام حضرت علیها السلام با کم‌ترین سطح ظاهری بیشترین معانی را القا می‌کند و مشارکت بیشتری را از خواننده می‌طلبد، زیرا اوصاف قرآن برای مخاطبانش واضح و آشکار بوده است. در حقیقت حضرت علیها السلام با ارجاع مخاطبان به قرآن در صدد مهندسی اعتقادی‌شان بوده تا با قرآن‌مداری به هدایت‌شان پردازد؛ زیرا قرآن جایگاهی بس ممتاز برای مخاطبان دارد و مرجع اعتقادی آنان بوده است.

در مؤلفه سیاسی، تشریح دوران رکود پس از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله بیشترین حجم را دارد. حضرت علیها السلام با تبیین این دوران به دنبال آگاهی دادن و بصیرت در اهل سقیفه بوده است.

تویخ و سرزنش انصار و اهل سقیفه نیز از مسائل محوری در خطبه فدک محسوب می‌شود. چون حضرت علیها السلام با استناد و تطبیق آیات قرآن بر آنان، آنها را به چالش می‌کشاند و در صدد تغییر نگرش‌شان بوده است.

بیان فداکاری‌های امام علی علیه السلام در این خطبه جلوه خاصی دارد، به نظر می‌رسد حضرت علیها السلام سعی داشته، مسأله امامت و جانشینی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را مهم‌ترین مسأله روز جامعه اسلامی نشان دهد و با مستندسازی آن به قرآن، مصداق آیه را مطرح سازد. نیز در پی فضای اختناق و جامعه آن روز مدینه، از

جمله مهم ترین وظایف حضرت علیه السلام تلاش برای تبیین جایگاه امامت امام علی علیه السلام، به عنوان جانشین بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، بوده است و این امر به عنوان یک راهبرد و سیاست کلان در منظر ایشان بوده است.

مؤلفه روشن گری نسبت به فرجام امور در خطبه فدک بیان گر نوع نگاه آینده گرانه حضرت زهرا علیه السلام از مآل اهل سقیفه است تا اهل سقیفه به پیش بینی پیامد رفتارهای خود پردازند و براساس آن زندگی خود را سامان دهند.

علاوه بر مطالب بیان شده، از دیگر کارکردهای سنجش فراوانی مؤلفه ها در خطبه فدک، آشنایی با اندیشه ها و افکار حضرت زهرا علیه السلام است، زیرا علی رغم نامیده شدن این خطبه، به «خطبه فدک» به نظر می آید، پس از بررسی فراوانی موضوعات مطرح شده در آن می توان به این نتیجه دست یافت که شایسته است، این خطبه دارای عنوان دیگری باشد؛ زیرا دغدغه اصلی حضرت زهرا علیه السلام در طول خطبه، هشدار به نظام حاکم و تغییر و تحولات جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله است که نابودی میراث ایمانی - اسلامی نبوی صلی الله علیه و آله را مورد هدف قرار داده است. حضرت علیه السلام بهترین راه برای حفظ دستاوردهای ایمانی جامعه اسلامی در دوران فقدان وجود پدرش را، تمسک به قرآن و افراد با ایمان، که مصداق اکمل آن حضرت علی علیه السلام است، می داند.

همچنین تبیین این مؤلفه ها نشان می دهد که حضرت زهرا علیه السلام در کلام خود به همه ابعاد اصلی و فرعی، اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، فقهی و روشن گری دین اسلام توجه داشته و در طی یک سخنرانی کوبنده به صورت خلاصه همه آنچه را که یک شخص مسلمان در رابطه با دین اسلام باید بداند و بدان عمل کند را بیان کرده است. به نظر می رسد که این خطبه، به عنوان منشور عقاید اسلامی قابل بررسی و مطالعه باشد.

۵. تحلیل محتوای مضمونی موضوعات خطبه فدک

از مؤلفه هایی که برای تبیین و بررسی تحلیل محتوای مضمونی خطبه فدک لازم

است، ساختار زبانی، اسلوب کلام، مخاطب‌شناسی و شرایط صدور خطبه است. در این مبحث به عناصر مورد اشاره پرداخته می‌شود.

۱-۵. ساختار زبانی

در خطبه فدک، محتوا و ساختار کلام، هر دو در غایت استحکام و زیبایی هستند. انتخاب واژگان و الفاظ، آرایش‌های لفظی و معنوی به کار رفته در آن، رعایت سجع و آهنگ درونی سخنان حضرت علیها السلام، استفاده از تشبیه، استعاره و مجاز و سایر صنایع ادبی علم بلاغت در کنار مضامین بلند پایه‌ای همچون قرآن، توحید، نبوت، امامت، احیای ارزش‌های معنوی دین اسلام، تبیین فلسفه احکام الهی و غیره بر ارزش و اعتبار این خطبه افزوده است. لذا، حضرت علیها السلام، به عنوان یک خطیب توانسته در تمام بخش‌های کلامش ارتباط خوبی با مخاطبان برقرار کند، به گونه‌ای که کلامش دارای یک نظم منطقی و بلیغی است. در این بخش به بررسی مهم‌ترین صنایع ادبی موجود در خطبه فدک می‌پردازیم.

۱-۱-۵. سجع

یکی از صنایع لفظی خطبه فدک، توجه خاص حضرت زهرا علیها السلام به رعایت سجع است. سجع نقش بسزایی در آهنگین شدن نثر ایفا می‌کند و در انتقال معنا به خواننده بسیار مؤثر واقع می‌شود. سجع در مباحث اعتقادی خطبه فدک شکل خاص به خود گرفته است. در حقیقت حضرت علیها السلام در بیان مباحث اعتقادی با قرار دادن سجع‌ها در فاصله‌های کوتاه، ریتم استوار و دلنشینی را خلق کرده است که با فضای مباحث اعتقادی هماهنگ است.

حضرت زهرا علیها السلام در ابتدای خطبه درباره شکر نعمت‌های خداوند می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ» کلمات «مَا أَنْعَمَ»، «مَا أَلْهَمَ» و «مَا قَدَّمَ» هم وزن و هم قافیه‌اند و میان‌شان صنعت سجع برقرار است.

عبارت «مِنْ عُمومٍ نَعَمٍ اِبْتِدَاها وَ سُبُوغِ آلاءِ اَسْداها وَ تَمَامِ مِنْ اَوْلَها» در بیان شکر نعمت‌های الهی است. در این عبارت کلمات «عموم و سبوغ»، «نعم و ممن» و «اَسْداها و اَوْلَها» دارای موسیقی درونی هستند که کلام را آهنگین و موزون و دلنشین ساخته‌اند (ر.ک: مباشری، ۱۳۸۷، ۱۶۸)، و از این قبیل موسیقی درونی در خطبه فدک به وفور قابل مشاهده است.

حضرت فاطمه علیها السلام در قسمتی از خطبه، به یگانگی خداوند شهادت می‌دهد و به نبوت و رسالت پدر گرامی اش صلی الله علیه و آله اذعان داشته و از برتری ایشان بر سایر خلق و برگزیده شدنشان از سوی خداوند بلند مرتبه اشاره نموده و می‌فرماید: «وَ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَ حُدَّهُ لا شَرِيكَ لَهُ كَلِمَةً جُعِلَ الْاِخْلَاصُ تَأْوِيلُهَا وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبُ مَوْضُولُهَا وَ اَنَارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولُهَا الْمُتَمَنِّعُ مِنَ الْاَبْصَارِ رُؤْيَتُهُ وَ مِنَ الْاَلْسُنِ صِفَتُهُ وَ مِنَ الْاَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ اِبْتَدَعَ الْاَشْيَاءَ لا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلُهَا وَ اَنْشَأَهَا بِلَا اِحْتِذاءِ امْتِثَالَةٍ امْتَثَلَهَا كَوْنُهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا بِمَسِيَّتِهِ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ اِلَى تَكْوِينِهَا وَ لا فائِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا اِلاَّ تَنْبِيئًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَنْبِيئًا عَلَي طَاعَتِهِ وَ اِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ وَ اِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَي طَاعَتِهِ وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَي مَعْصِيَّتِهِ زِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ تَقَمَّتِهِ وَ حَيَاشَةً لَهُمْ اِلَى جَنَّتِهِ».

در این بخش از خطبه، واژگان «تَأْوِيلُهَا، مَوْضُولُهَا وَ مَعْقُولُهَا»، «رُؤْيَتُهُ وَ صِفَتُهُ»، «طَاعَتِهِ وَ قُدْرَتِهِ»، «نَقَمَّتِهِ وَ جَنَّتِهِ»، «صِفَتُهُ وَ كَيْفِيَّتُهُ»، «قَبْلُهَا وَ امْتَثَلُهَا»، «طَاعَتِهِ وَ مَعْصِيَّتِهِ»، «السن و اوهام»، «تَكْوِينِهَا وَ تَصْوِيرِهَا» و «وضع و جعل» میان‌شان صنعت سبع برقرار است (نمونه‌های بیشتر ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳).

۱-۵-۲. جناس

جناس، یکی دیگر از صنایع لفظی است که در گروه توازن واژگانی جای

می‌گیرد. این صنعت بر یکسانی صامت‌ها و مصوت‌های دو کلمه استوار است که گاه با اختلاف یک یا دو حرف ظاهر می‌شود. حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در بخشی از خطبه به نکوهش انصار و عملکرد آنان پرداخته و چنین می‌فرماید: «فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ وَ كَيْفَ بَكُمْ وَ أَنِّي تُؤْفَكُونَ وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ؟ - أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ وَ زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ». در این قسمت واژگان «ظاهره» و «زاهره» صنعت جناس دارند. همچنین در بخش دیگری از خطبه خطاب به انصار فرمود: «وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ وَ قُوَّةٌ عَلَيَّ مَا أَطْلُبُوا أَزَاوِلُ». در این عبارت نیز میان «أَحَاوِلُ» و «أَزَاوِلُ» جناس برقرار است.

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ درباره ارتحال پدر بزرگوارشان سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ این گونه فرموده است: «أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَخَطَبْتُ جَلِيلًا اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ وَ اسْتَنْهَرَ فَتَقَهُ وَ انْفَتَقَ رَتَقُهُ». در این عبارت نیز میان «فتق» و «رتق» جناس برقرار است.

۱-۳. کنایه

کنایه، یکی از صنایع بیانی است که موجب تفنن ادبی در کلام می‌شود. کنایه، در اصطلاح بیان مطلبی با لفظی غیر صریح یا، به تعبیر دیگر، استعمال یک لفظ و اراده لازم معنای آن است (شیخ امین، ۱۹۸۴، ج ۲، ۱۵۳). کثرت تعبیر کنایی در خطبه فدک در مؤلفه‌های مختلف، یکی از عوامل تأثیرگذار در تصویر آفرینی زیبای خطبه فدک محسوب می‌شود. به عنوان نمونه، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در توصیف روش پدر گرامی خویش در ابلاغ رسالت می‌فرماید: «وَ لَنِعْمَ الْمَعْرِزِيُّ إِلَيْهِ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَبَلَغَ الرَّسَالََةَ صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ مَاثِلًا عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ ضَارِبًا ثَبَجَهُمْ أَخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»؛ تأمل در این عبارات نشان‌گر آن است که معنای حقیقی آنها مد نظر نبوده و حضرت عَلَيْهَا السَّلَامُ از بار معنایی این جملات برای غرض اصلی خود استفاده کرده و دریافت معنای اراده شده را به مخاطب وامی‌نهد تا پس از رمزگشایی از صورت ظاهری سخن،

حقیقت کلام را دریابد (مقیاسی و فراهانی، ۱۳۹۴، ۴۸). بدین معنا که حضرت ﷺ برای بیان مفهوم انذار و بیم دادن مشرکان و مطیع ساختن آنان تعابیر کنایی را اتخاذ کرده است. عبارات «ضَارِباً ثَبَجَهُمْ» به معنای شلاق زدن بر کمر آنان و «آخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ»، به معنای راه نفس آنان را بستن، کنایه از سخت گرفتن و بیم دادن است. به نظر می‌رسد حضرت ﷺ بر آن است تا با این تعابیر، از اقتدار و عظمت پیامبر ﷺ در برخورد با مشرکان و کافران سخن بگوید.

همچنین حضرت ﷺ در بخش دیگر از خطبه در بیان وضعیت مردم، قبل از رسالت پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ مَذْقَةَ الشَّرَابِ وَ نَهْزَةَ الطَّامِعِ وَ قَبْسَةَ الْعَجْلَانِ وَ مَوْطِئَ الْأَقْدَامِ». عبارت «قَبْسَةَ الْعَجْلَانِ» به معنای آتش‌زنده‌ای حقیر فردی شتاب‌ناک بودید، کنایه از فرد عجول و شتاب‌زده است که گویای جهل و بی‌فکری مردمان زمانه است و عبارت «مَوْطِئَ الْأَقْدَامِ» به معنای لگد کوب شدن، کنایه از ذلت و خواری است.

۴-۱۵. استعاره

یکی دیگر از صنایع بیانی استعاره است و به معنای استعمال لفظی در غیر معنای وضع شده، با هدف تشریح معنا، توضیح، تأکید، اختصار و مبالغه در تشبیه می‌باشد. استعاره به اعتبار ارکان آن انواع مختلفی دارد که در خطبه فدک این انواع قابل مشاهده است. حضرت زهرا ﷺ در توصیف نتایج تبلیغ پیامبر ﷺ می‌فرماید: «حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ»؛ صبح ایمان از افق تاریک شرک دمید. حضرت ﷺ در این تعبیر رسالت پیامبر ﷺ را پایان‌دهنده شرک و ظلم معرفی می‌کند، یعنی با رسیدن پیامبر ﷺ به مقام نبوت، سیاهی و تاریکی شرک و کفر از جامعه اسلامی رخت بر بست و خورشید ایمان جایگزین آن شد. حضرت ﷺ در این بخش به «اللیل» مؤلفه معنایی انسان بخشیده و پس از حذف انسان از ساختار جمله، یکی از لوازم آن، یعنی «تفری» (دمیدن) را جانشین آن در کلامش

نموده است. بدین ترتیب صنعت استعارهٔ مکنیه را به وجود آورده است. نمونهٔ دیگر در این بخش، عبارت «خَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ»؛ (لال شدن زبان شیاطین) واژهٔ «شقاشق» به معنای «زبان» (صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ۱۸۲)، از لوازم انسان است، در ترکیب با شیاطین که مفهومی مجرد است، ساختار استعاری به کلام حضرت عليه السلام بخشیده است. در این تعبیر کافران به انسان‌هایی مانند شده‌اند که در برابر پیامبر صلى الله عليه وآله و حقانیت ایشان عاجز و ناتوان گشته‌اند (ر.ک: مقیاسی و فراهانی، ۱۳۹۴، ۴۹).

حضرت زهرا عليها السلام در زمینهٔ ارتحال پدر گرامی‌اش می‌فرماید: «فَمَحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ وَمُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ». در این عبارت دو استعارهٔ مصرحه به کار رفته است. نخست در واژهٔ «الدار» به معنای خانه که از اشیاء است، ولی برای دنیا به کار رفته است و استعاره از دنیاست. همچنین «الْمَلِكِ الْجَبَّارِ» استعاره از خداوند است (مباشری، ۱۳۸۷، ۱۶۹).

۵-۱-۵. تشبیه

تشبیه یکی از جلوه‌های زیبایی سخن است. تکلم به وسیلهٔ صنعت تشبیه موجب می‌شود انتقال مقاصد گوینده به مخاطب رساتر و نافذتر صورت بگیرد (فتاحی‌زاده، ۱۳۸۷، ۷۷). تشبیه در اصطلاح به معنای ایجاد مشابهت بین دو یا چند امر به سبب مشارکت آنها در یک یا چند صفت برای تبیین غرضی است که متکلم در ذهن می‌پروراند (قزوینی، ۱۴۲۹ق، ۲۱۷). حضرت زهرا عليها السلام در مواردی از این صنعت استفاده کرده است تا بتواند بهتر به روشن‌گری مخاطبان‌ش بپردازد.

حضرت عليها السلام در بخشی از خطبه در ضمن روشن‌گری انصار به بیان حقانیت اسلام و اهل‌بیت عليهم السلام می‌پردازد و می‌فرماید: «حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ»؛

«چرخ اسلام به محور ما به گردش درآمد.» این عبارت نمونه‌ای از تشبیه بلیغ در کلام حضرت علیه السلام است. ایشان حقانیت دین اسلام و اهل بیت علیهم السلام که به مقابله با کافران پرداخته‌اند را همچون آسیابی دانسته که تمامی شرک، کفر و بی‌عدالتی را در هم کوبیدند. در ادامه همین بخش می‌فرماید: «خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ»؛ «آتش کفر به خاموشی گرایید» در این عبارت نیز تشبیه بلیغ به کار رفته است. بدین ترتیب که دین اسلام همچون آتشی است که کفر را خاموش کرد.

حضرت علیه السلام در بخش دیگری درباره جایگاه حقیقی اهل سقیفه می‌فرماید: «قَالَتْ أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصِبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ»؛ «فرمود: شما ای بندگان خدا مورد امر و نهی خدا هستید».

«نصب»، آن چیزی است که به منظور علامت در سر راه‌ها نصب می‌شود تا به وسیله آن افراد، راه را گم نکنند (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ۷۵۸). راغب درباره این واژه می‌نویسد: «نصب به معنای برپا کردن چیزی و گذاشتن آن در حال برجستگی مانند برپا کردن نیزه یا بنا یا سنگ است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۰۷). مقصود حضرت زهرا علیها السلام از این لفظ، شرافت مخاطب بودن مردم به خطاب الهی است؛ یعنی بدانید که شما بندگان خدا به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله، هدف و مقصد امر و نهی و دستورات سعادت آفرین هستید و شما حاملان امانت بزرگ دین و وحی او هستید (ر.ک: حسینی زنجانی، ۱۳۸۸، ۱۴۴-۱۴۵). لذا در کلام حضرت علیه السلام اهل سقیفه به شاخص و نصبی برای احکام و دستورات الهی تشبیه شده‌اند.

۵-۱-۶. تلمیح

تلمیح در اصطلاح علم بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستان یا مثل یا آیه و حدیثی معروف اشاره نماید. حضرت زهرا علیها السلام در موارد فراوانی به مقتضای حال مخاطبان که با قرآن و احادیث آشنا بودند از این صنعت استفاده

کرده است.

حضرت زهرا علیها السلام در ناتوانی انسان از شمارش نعمت‌های الهی می‌فرماید: «جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدَدُهَا». این عبارت تلمیح با آیه ۳۴ سوره ابراهیم دارد: ﴿... وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا...﴾.

و در بیان اهداف آفرینش می‌فرماید: «إِظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ تَعْبُدُ لِبرِيَّتِهِ». عبارت نخست تلمیح به حدیث قدسی «كنت كنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف فخلقت الخلق لكى أعرف» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۴، ۳۴۴) دارد. و عبارت دوم به آیه ۵۶ ذاریات تلمیح دارد: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾.

همان‌گونه که در مؤلفه فقهی بیان شد، فلسفه احکام، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فقهی در خطبه فدک است. این بخش به تفسیر و تبیین مضامین و محتوای معارف احکام مندرج در قرآن پرداخته است. به تعبیر دیگر، بیشتر این تبیین‌های حضرت علیها السلام با آیات قرآن تلمیح دارد. به عنوان نمونه عبارت «وَالْقِصَاصَ حَقْنًا لِلدِّمَاءِ»؛ «و خداوند قصاص را برای این که خون‌ها محفوظ بماند قرارداد است»، با آیه ۱۷۹ سوره بقره تلمیح دارد: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ﴾.

۷-۱-۵. تضمین

تضمین آن است که عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی و بی‌هیچ گونه تغییر و دگرگونی در اثنای کلام جای دهند. در یک نگاه اجمالی، می‌توان اذعان داشت؛ این نوع صنعت بیانی در کلام حضرت علیها السلام جایگاه ویژه و محوری دارد. به نظر می‌رسد، هدف حضرت علیها السلام از تضمین به آیات، بیان مصادیق آنها بوده تا مخاطبان را متوجه عاقبت عمل‌شان در سقیفه نماید. همچنین استفاده مستقیم از آیات قرآن، نه تنها بر درخشندگی و رونق و استحکام اسلوب کلام حضرت علیها السلام می‌افزاید، بلکه تأثیر معنا را در اذهان شنوندگان مضاعف می‌نماید.

بر همین اساس، وجود آیات قرآنی در این خطبه، اثری ژرف بر استحکام ساختار و عمق معنا گذاشته است. از آنجا که تضمین‌های موجود در خطبه به آسانی قابل شناسایی است در این بخش به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود. حضرت فاطمه علیها السلام در بیان فداکاری‌ها و خدمت‌های امام علی علیه السلام می‌فرماید: «كُلَّمَا أُوقِدُوا نَاراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَغَرَّتْ فَاعِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا». حضرت زهرا علیها السلام با تضمین به بخشی از آیه ۶۴ سوره مائده، به نقش امام علی علیه السلام در مبارزات و جنگ‌ها و فداکاری‌های ایشان اشاره می‌نماید (حسینی زنجانی، ۱۳۸۸، ۲۳۰؛ و نیز ر.ک: تهرانی، ۱۳۹۱، ۸۳؛ صفایی حائری، ۱۳۸۶، ۴۷). ضمن آنکه حضرت زهرا علیها السلام در عبارت «ناراً للحرب» از صنعت ادبی تشبیه^۴ جهت توجه کلامش بر مخاطبان و رساندن یک پیام اقناعی^۵ استفاده کرده و آن پیام اقناعی، اثبات فداکاری‌های امام علی علیه السلام است.

۸-۱-۵. تشخیص

تشخیص یکی از صنایع بیانی است. در اصطلاح به معنای آن است که برای آنچه غیرانسان است شخصیت و خصوصیت انسانی قائل شویم. کاربرد تشخیص در خطبه فدک برای آن است که حضرت علیها السلام مفاهیم را برای مخاطبان تقریب به ذهن نماید. به عنوان نمونه حضرت علیها السلام در توصیف قرآن می‌فرماید: «قَائِدًا [قَائِدًا] إِلَى الرِّضْوَانِ أَتْبَاعُهُ»؛ گویی قرآن رهبری است که پیروانش را به رضوان یا بهشت خداوند هدایت می‌کند.

حضرت علیها السلام در بخش دیگری از کلامش، می‌فرماید: «نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ»؛ «شاخ شیطان ظاهر شد». شیطان به حیوانی انگاشته شده که شاخ دارد.

۲-۵. اسلوب کلام

در تحلیل محتوای مضمونی از جمله امور ضروری، شناخت اسلوب کلامی به

کار رفته در سخن است؛ زیرا اسلوب‌های کلامی نقش راهنمای تحلیل‌گر را دارند و شناخت آنها موجب می‌شود محقق بتواند با بافت فرهنگی - اجتماعی کلام آشنا گردد و نگاهی تعمقی به کلام داشته باشد. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدک نه تنها صنایع ادبی را در نظر داشته، بلکه تمام اسلوب‌ها را رعایت نموده است و با توجه به این که در هنگام جوش و خروش و سوگ نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله ممکن است اسالیب سخن رعایت نگردد؛ ولی این گونه نبوده و مشاهده می‌شود که در خطبه حضرت علیها السلام موج‌های ادبی به صورت منظم در کنار هم قرار دارند و برهم نمی‌ریزند و باعث شده است تا معارف فاطمی بیشتر خود را نمایان سازد. حضرت زهرا علیها السلام در هر بخش از خطبه به تناسب محتوای آن از اسلوب مربوط به همان استفاده کرده است و لذا نمی‌توان قائل به این بود که کل خطبه در قالب یک اسلوب است. به عنوان نمونه موضوع فقه الإرث، اسلوب علمی است و باید در اسلوب علمی از تفنن‌های ادبی کم‌تر بهره جست. این مطلب نیز در خطبه فدک به خوبی رعایت شده است و حضرت علیها السلام در استدلال به فدک از مباحث ادبی کم‌تر استفاده کرده است. همچنین در تبیین فلسفه احکام الهی، سیاق معنایی و جو فکری حاکم بر کلام حضرت زهرا علیها السلام تبیین کوتاه از فلسفه مهم‌ترین احکام الهی است، به همین دلیل از صنایع ادبی کم‌تر استفاده نموده و اسلوبی توصیفی دارد.

کلام فاطمی علیها السلام در تبیین مؤلفه‌های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و روشن‌گری از آرایه‌های چشم‌گیر و اسالیب ادبی بهره‌ور است، که مخاطبان خویش را به ژرفای معنا سوق می‌دهد و معانی را در منظر آنان به تصویر می‌کشد و مجسم می‌نماید. حضرت زهرا علیها السلام برای تصویر و تجسیم معارف بلند الهی و ایجاد جهان‌بینی در مخاطبان خویش از تشبیه، استعاره، کنایه و تشخیص سودجسته است که از سویی شکوه و زیبایی کلام حضرت علیها السلام را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، راهبردی مناسب به سوی تفهیم حقایق کلام است. افزون بر این، کاربرد

صنایع ادبی همچون تشبیه و استعاره در خطبه فدک از این رو است که آسان‌ترین راه برای تبیین حقایق و دقایق جامعه اسلامی آن روز بوده و عالم و عامی، هر دو، در سطح و مرتبه خود از آن بهره‌مند می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ۱۲۵).

۳-۵. مخاطب‌شناسی خطبه فدک

یکی از کارکردهای تحلیل محتوای مضمونی، شناخت مخاطبان کلام است که راه ورود به عرصه تحلیل گفتمان را باز می‌کند. با توجه به متن خطبه فدک به نظر می‌آید مخاطبان خطبه، مخاطبان خاص و عام بوده‌اند. مقصود از مخاطبان خاص، آن دسته از افرادی هستند که نام آنها به صورت کاملاً مشخص در متن خطبه، ثبت شده باشد، زیرا حضرت علیه السلام در بخش‌هایی از خطبه، انصار را به طور مستقیم (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ۱۰۲) و یا با عبارت «بِنِی قَیْلَةَ» (همان، ۱۰۳) مورد خطاب قرار می‌دهد. همچنین در دو بخش خطبه، خلیفه نخست را با ترکیب «یَا ابْنِ اَبی قُحَافَةَ» مورد خطاب قرار می‌دهد.

مخاطبان عام، آن دسته افرادی هستند که در متن خطبه هیچ خطاب‌ی برایشان ذکر نشده است که نمونه آن در متن خطبه فراوان است.

۴-۵. فضای صدور خطبه فدک

با شناخت و جمع‌آوری شواهد تاریخی می‌توان فضایی را که حضرت زهرا علیها السلام در آن ایراد سخن کرده، ترسیم کرد، و براساس همین شناخت، می‌توان به فهمی کامل‌تر نسبت به کلام حضرت علیها السلام رسید. در مورد خطبه فدک می‌توان گفت، این خطبه متنی مستدل و منسوب به حضرت زهرا علیها السلام است، زیرا در منابع بسیاری ذکر شده است. از آنجا که در بازبایی نقل‌های مختلف تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود، شناخت فضای صدور آسان‌تر به نظر می‌رسد.

منظور از فضای صدور یا جغرافیای سخن، بررسی وجوه کلام حضرت زهرا علیها السلام در فضایی است که کلام در آن منعقد شده است که نویسندگان به این مطلب توجه کافی نداشته‌اند. خطبه فدک، توسط حضرت زهرا علیها السلام در فضای بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایراد شده است. سبب صدور این خطبه، انتقاد از اوضاع بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و تغییر ساختار جامعه اسلامی بوده است. ضمن آنکه حضرت علیها السلام در دفاع از حریم ولایت و اثبات حقانیت امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام این خطبه را فرموده است. مخاطبان کلام حضرت علیها السلام، مردم مدینه که متشکل از مهاجران و انصار بودند، تشکیل می‌شود. ممکن است این سؤال به ذهن متبادر شود که چرا امام علی علیه السلام خودشان وارد عرصه نشدند. در پاسخ به این مطلب باید گفت، مخالفان امام علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله چنان آن بزرگوار را تحت سانسور تبلیغاتی قرار دادند که در جریان سقیفه هیچ یک از سران مهاجر، نامی از علی علیه السلام به عنوان فرد لایق خلافت به میان نیاوردند و مردم همه خدمات و ایثارگری‌های ایشان را به فراموشی سپردند؛ حتی با حضرت علیه السلام در مورد خلافت مشورت هم نکردند و به دور از چشم حضرت علیه السلام به خلاف نصب پیامبر صلی الله علیه و آله، دیگری را برگزیدند و برایش بیعت گرفتند.

امام علی علیه السلام به دلیل محذوراتی که داشت نمی‌توانست از حقوق خویش دفاع کند. همچنین از دیدگاه امام علی علیه السلام مصلحت اسلام و مسلمان‌ها بر هر چیز دیگری تقدم و اولویت داشت (ر.ک: محرمی، ۱۳۹۴، ۱۷۵). نداشتن یار و یاور (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ۶۸، خطبه ۲۶) و خطر خارجی که کیان اسلام را تهدید می‌کرد (همان، ص ۴۵۳، نامه ۶۳)، موجب شد آن حضرت علیه السلام سکوت را برگزینند. حضرت علی علیه السلام در سخن بسیار جامعی می‌فرماید: «هنگامی که خداوند پیامبر خود را قبض روح نمود، قریش با خود کامگی، خود را بر ما مقدم شمردند و ما را - که به رهبری امت از همه شایسته‌تر بودیم - از حق خود بازداشتند؛ ولی من دیدم که صبر و بردباری بر این کار بهتر از تفرقه میان

مسلمانان و ریخته شدن خون آنان است؛ زیرا مردم به تازگی اسلام را پذیرفته بودند و دین مانند مشکى پر از شیر بود که کف کرده است و کوچک‌ترین سستی و غفلت آن را فاسد می‌سازد و کوچک‌ترین اختلاف، آن را وارونه می‌کند» (ابن ابى الحديد، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۳۰۸). در چنین اوضاعى حضرت زهرا عليها السلام با شناخت کامل از توطئه حذف على عليه السلام و پیامدهای ناگوار آن، به معرفى شخصیت و مجاهدت‌های ایشان در راه اسلام پرداخت؛ به گونه‌ای که هرگاه اسلام به خطر می‌افتاد، پیامبر صلی الله علیه و آله به کمک او اسلام را از خطر می‌رهاند (طبرسى، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ۱۰۸).

نتیجه‌گیری

خطبه فدک بخش مهمی از تراث حدیثی شیعه است که مورد توجه محدثان و اندیشمندان فراوانی قرار گرفته است. این خطبه توسط حضرت زهرا عليها السلام بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منظور انتقاد از اوضاع جامعه اسلامی و گفتمان‌های نوظهور ایراد شده است. توجه به موضوعات ارائه شده در خطبه فدک، نشان می‌دهد که این خطبه به لحاظ محتوا، دارای تنوع موضوعی است، به گونه‌ای که حضرت عليها السلام در آن به بیشتر مسائل مهم جامعه اسلامی اشاره کرده است.

خطبه فدک تعامل زیادی با قرآن دارد و در آن مؤلفه‌های مهم اجتماعى همچون اعتقادى، اخلاقى، سیاسى، فقهى، سبب‌شناسى انحرافات و روشن‌گرى نسبت به فرجام امور بیان شده است که از میان این مؤلفه‌ها، مؤلفه اعتقادى از بسامد بیشتری برخوردار است. بنابراین، اهتمام حضرت زهرا عليها السلام بر اصلاح اعتقادات مخاطبانش بوده است. همچنین با توجه به شرایط ایراد این خطبه به نظر می‌رسد مخاطبان حضرت عليها السلام افرادی آشنا به اسلام بودند؛ لیکن به لحاظ اعتقادى اندیشه‌درستى نداشتند، به همین دلیل حجم بیشتر خطبه را این مؤلفه در بر گرفته است.

ساختار زبانی به کار رفته در خطبه، بیشتر ادبى است، به گونه‌ای که بیشتر

اسلوب کلام حضرت ﷺ، اسلوب ادبی است و از صنایع ادبی به طور زیادی بهره گرفته است؛ این امر بیان گر آن است که حضرت ﷺ مطالب اعتقادی را به همراه مضامین ادبی آمیخته تا اثرگذاری کلامش را به حداکثر برساند و مفاهیم را با ادبیات پویا و زنده در اختیار مخاطبان قرار دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «اللهم» نام دیگر خطبه فدک حضرت زهرا ﷺ است. واژه «اللمة» در مقدمه این خطبه آمده است: «أَقْبَلْتُ فِي لُمَّةٍ مِنْ حَفْدِ تَيْهٍ أَوْ نِسَاءٍ قَوْمِهَا». لسه در لغت به معنای گروه است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ۳۲۳ و ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ۲۷۳).
۲. در خصوص این روایت باید گفت خلیفه اول بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ فدک را از حضرت فاطمه ﷺ غصب نمود و حضرت ﷺ اعتراض کرد و خلیفه اول در پاسخ به این حدیث از رسول اکرم ﷺ استناد نمود: «سمعت رسول الله يقول: انا معاشر الأنبياء لانورث ماتركنا صدقه». این روایت نزد اهل سنت قطعی الصدور است، هر چند روایان آن متفاوت و محتوای روایت مختلف است. در نزد امامیه، در هیچ کدام از منابع روایی این حدیث نقل نشده است. فاطمه ﷺ روایت خلیفه اول را معارض قرآن دانست و آن را انکار نمود. افزون بر این در منابع روایی امامیه نقد سندی و نقد محتوایی نسبت به این روایت انجام شده است (نک: فهیمی تبار، ۱۳۹۲، ۴۰-۵۱).
۳. ایدئولوژی (Ideology) از لحاظ لغوی به معنای «دانش ایده‌ها» است. این اصطلاح عموماً برای اشاره به مجموعه‌ای از ایده‌ها، اندیشه‌ها و ارزش‌های خاص یک مکتب فکری یا یک شخص به کار می‌رود.
۴. جنگ به آتش شعله‌ور تشبیه شده است و وجه شبه آن سوزاندگی و نابودگری و هلاکت است (مباشری، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵).
۵. اقناع عبارت است از یک فرایند ارتباطی که برای تغییر در نگرش و در نهایت رفتار مخاطب با عدم توسل به جبر، زور، تهدید و فریب صورت می‌گیرد (نک: میرسعید قاضی، ۱۳۸۴).

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید (۱۴۰۷ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالجلیل.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: محمود محمد طناحی و ظاهر احمد زاوی، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰ق)، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، تحقیق: علی

- عاشور، قم، خیام.
۴. ابن طیفور، احمد (۱۳۷۸ق)، *بلاغات النساء*، قم، انتشارات مکتبه الحیدریه.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر و التنویر*، بی جا، بی نا.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
۷. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. بهبهانی، علی (۱۳۸۵)، *مصباح الهدایه فی اثبات الولاية*، تهران، نشر رهنمون.
۹. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱)، *شرحی کوتاه بر خطبه حضرت زهرا (علیها السلام)*، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
۱۰. جانی پور، محمد و لطفی، مهدی (۱۳۹۴)، «نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی»، تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (علیها السلام)، سال ۱۲، شماره ۲.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *تفسیر تسنیم*، قم، نشر اسراء.
۱۲. ----- (۱۳۸۹)، *تفسیر انسان به انسان*، قم، نشر اسراء.
۱۳. جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز (بی تا)، *السقیفه و فدک*، تحقیق محمد هادی امینی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، چاپ اول، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۵. حسینی زنجانی، عزالدین (۱۳۹۰)، *شرح خطبه حضرت زهراء (علیها السلام)*، قم، بوستان کتاب.
۱۶. ----- (۱۳۸۸)، *حکمت فاطمی*، قم، نشر بوستان کتاب.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
۱۸. رفیعی، رضا (۱۳۸۵)، *فاطمه سیده نساء العالمین*، قم، بوستان دانش.
۱۹. رسولی، مهستی و امیرآشانی، زهرا (۱۳۹۰)، *تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی*، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
۲۰. روشنفکر، کبری و اکبری زاده، فاطمه (۱۳۹۱)، «*تحلیل گفتمان انتقادی در قصیده بایئه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)*»، تهران، مطالعات تاریخ اسلام، سال ۴، شماره ۱۳.
۲۱. شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، *الدر النظیم فی مناقب الأئمه اللهمم*، قم، جامعه مدرسین.
۲۲. شبر، عبدالله (۱۴۲۸ق)، *کشف المحججه فی شرح خطبه الأئمه؛ شرح خطبه فاطمه الزهراء (علیها السلام)*، قم، نشر باقیات.
۲۳. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، قم، نشر هجرت.
۲۴. شیخ امین، بکری (۱۹۸۴م)، *البلاغه العربیه فی ثوبها الجدید*، بیروت، دارالعلم للملایین.

۲۵. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، تحقیق محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتب.
۲۶. صفایی حائری، علی (۱۳۸۶)، *روزهای فاطمه علیها السلام: شرحی بر خطبه فدک حضرت زهرا علیها السلام*، قم، لیلۃ القدر.
۲۷. طاهایی، فاطمه (۱۳۸۹)، *سیری در خطبه فدک*، چاپ سوم، مشهد، نشر آستان قدس رضوی (به نشر).
۲۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۳۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، *دلائل الإمامة*، قم، نشر بعثت.
۳۳. علم الهدی، علی بن حسین (شریف مرتضی) (۱۴۲۶ق)، *الشافی فی الإمامة*، تحقیق عبدالزهراء حسینی خطیب، تهران، مؤسسه الصادق.
۳۴. فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۷)، «نقش فنون بلاغت در فهم متون دینی»، سفینه، شماره ۲۰.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم، هجرت.
۳۶. فهیمی تبار، حمید رضا (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی روایت لانورث ما ترکنا صدقه از منظر فریقین»، کاشان، دوفصلنامه علمی - پژوهشی حدیث پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۰.
۳۷. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر.
۳۸. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۹۳)، *بیولوژی نص*، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۰. قزوینی، محمد کاظم (۱۳۸۶)، *فاطمه زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت*، ترجمه حسین فریدونی، تهران، نشر آفاق.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۴۲. کیوی، ریمون و کامپ نهود، لوک وان (۱۳۸۵)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر توتیا.
۴۳. مباشری، محبوبه (۱۳۸۷)، «نحله کوثر؛ جستاری در باب وجوه بلاغی خطبه فدک»، کرمان، مجله پژوهش‌های اسلامی، سال ۲، شماره ۴.
۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۵. محرمی، غلامحسین (۱۳۹۴)، *پژوهش در زندگی امامان علیهم السلام: مبانی و روش‌ها*، تهران،

- سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲)، *ساترین ددخواهی و روشن‌گری*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۷. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴۸. مقیاسی، حسن و فراهانی، سمیرا (۱۳۹۴)، «برجسته‌سازی در خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام»، کاشان، دو فصلنامه علمی - پژوهشی حدیث پژوهی، سال ۷، شماره ۱۳.
۴۹. میرسعید قاضی، علی (۱۳۸۴)، *تئوری و عمل در روابط عمومی و ارتباطات*، چاپ پنجم، تهران، مبتکران.
۵۰. یزدی، علی محمد (۱۳۹۲)، *روش بیان قرآن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.